

علامه محمدتقی جعفری



علم و تمدن در اسلام

علم و تمدن در اسلام

علامه محمد تقی جعفری 

این را همه تاریخ‌نویسان علم می‌گویند: «اگر اسلام آن حرکت را نکرده بود (به

جریان انداختن دانش، تحول دانش و پرچم‌داری دانش) علم ساقط شده بود!»

از زمان شیخ موسی خوارزمی، تا ابن سینا، پنج هزار ریاضی‌دان، نگویید یک‌دفعه اگر

گفتند در قرطبه، در آندلس در اسپانیا (زمانی که در دست مسلمانان بوده)

کتابخانه‌اش ۶۰۰/۰۰۰ کتاب داشته است!

نگویید کتاب دعا بوده ها!!!

نگویید کتاب مذهبی خالص بوده!

نخیر، ریاضیات بوده؛ کتابخانه عزیز فاطمیه مصر که در حدود ۴۰۰/۰۰۰ می‌گویند،

۱۸/۰۰۰ [کتاب] فقط فلسفه و ریاضیات بوده!

اواخر قرن دوم هجری، و سوم و چهارم، و یک مقدار مهمی از قرن پنجم، دانش به

جریان افتاده، دانش بدون تجربه نمی‌شود!

عده‌ای از مورخین دانش صریحاً می‌گویند که، در قرون وسطی بود که از گیاه شناسان اسلامی چهل هزار گیاه و درخت را مورد تجربه قرار دادند، مورد تحقیق قرار دادند، نیروهای تقویتی و آفت‌هایش را بحث کردند؛

خدایا! عنایت کن ما در روز قیامت در مقابل آن دانشمندان که سر به زیر خاک کردند و ما از روی تقلید اصلاً به آن‌ها اعتنا نکردیم، در مقابل آن‌ها شرمنده نباشیم. بله این‌هم یک دعاست دیگر، این هم یک جور دعاست.

اگر «حسن بن هیثم» سربرآورد و گفت نور مگر مال من نبود؟ مگر اتاق تاریک را من معنا نکرده بودم؟

مگر مسائل عمده نور اکتشاف من نبود؟

مگر نشنیده بودی از نظر ورع و تقوا، عجیب هم این است از نظر ورع و تقوا در حدی بود که صفت مرجعیت به او می‌دادند.

«أَوْرَغُ؛ وَ كَانَ مِنْ أَوْرَغِ زَمَانِهِ».

از با ورع‌ترین، ورع صفت مرجعیت است، همین حسن بن هیثم، یکی نیست دوتا نیست صدتا نیست...